

فرمایش آقای خوئی رحمه الله علیه درباره عموم تنزیل بیان شد اما بررسی و اشکالات بیان ایشان :

اولا : انحصار قائلین مفتی بر عمومیت تنزیل به ۳ نفر (ابن حمزه و سبزواری و شیخ انصاری رحمه الله علیهم) چه بسا تمام نباشد و با تتبع فقهاء دیگری که به این قول فتوی داده اند یافت شود مانند پسر علامه در ایضاح الفوائد و صاحب جامع المقاصد و المذهب الباری و حتی در دو کتاب کشف الرموز و التنقیح الرائع بعد از بیان ادعای شیخ طوسی در خلاف تعبیر کرده اند : (لم اجد فيه مخالف بل هو مقالة المشهور) و این تعبیر دال بر این است که این انحصار تمام نمی باشد .

ثانیا : سلمنا که مشهور قائل به نشر حرمت نباشند اگر در این مسئله دو نظریه باشد یکی مشهور و یکی مخالف مشهور است این نظر مخالف مشهور ضعف در ادله دارند از باب اعراض مشهور از این ادله که شما آقای خوئی رحمه الله علیه که اعراض مشهور را موهن نمی دانید بنابر این فتوای به قول عمومیت تنزیل محذوری ندارد .

استاد : توضیح ضعف مخالفت مشهور در کلام آقای خوئی رحمه الله علیه :

این قول مخالف مشهور به یکی از این دو دلیل ضعیف است :

۱ - اعراض مشهور موجب وهن دو صحیحه می باشد .

۲ - عام البلوی بودن این مسئله و اگر عموم تنزیل تمام بود باید روایتی تصریح به این معنا داشته باشد ولو این که ضعیف باشد در حالی که در این باب روایتی نداریم .

پاسخ استاد به کلام آقای خوئی رحمه الله علیه :

اما دلیل ۱ - که در مباحث اصولی اعراض مشهور را موهن ندانستید .

و دلیل ۲ - در این باب ۴ روایت داریم که خود شیخ انصاری رحمه الله علیه در مسئله ۱۰ و ۲۶ به این روایات استدلال کرده اند و همچنین شیخ طوسی در خلاف و دیگران مانند ابن حمزه و محقق سبزواری و علامه رحمه الله علیهم نیز استدلال کرده اند که علامه رحمه الله علیه فرموده است استدلال خلاف استدلال خوبی است اگر روایات صحیحه معارض نبود .

حاصل بحث از اصل تنزیل :

برخی اصل تنزیل را به صورت مطلق منکر شده اند و اگر چه که روایات صحیحه دار اما مخالف با قواعد و اصول می باشد و نمی توان به آن ملتزم شد و تنزیل را معارض با (یحرم من الرضا ما یحرم من النسب) دانسته اند و محرمات رضاعیه را منحصر به خصوص ۷ محرم نسبی دانسته اند و نهایتا تعمیم به ۴ محرم صهری نیز دارد و فقط در این موارد است .

قائلین به تنزیل دو دسته شده اند :

دسته ۱ - تعمیم تنزیل داده اند به هر جایی که با باب (ابن الابن ابن) مطابقت دارد و تعبیر (بمنزلة ولدك) خصوصیتی ندارد .

دسته ۲ - توقف در تنزیل به موارد منصوصه .

اما ادله تنزیل :

چهار روایت که می توان از آنها تنزیل را استفاده کرد :

۱ - روایت ۱۰ باب ۱۶ از ابواب رضاع .

۲ - روایت ۱ باب ۱۶ از ابواب رضاع .

۳ - روایت ۲ باب ۱۶ از ابواب رضاع .

۴ - روایت ۲ باب ۱۶ از ابواب نسب .

اما روایت اول :

روایت ۱۰ باب ۱۶ از ابواب رضاع .

وعن محمد بن یحیی ، عن أحمد بن محمد ، عن علي بن مهزيار قال : سأل عيسى بن جعفر بن عيسى أبا جعفر الثاني سلام الله عليه ان امرأة أرضعت لي صبيا فهل يحل لي ان أتزوج ابنة زوجها ؟

فقال سلام الله عليه لي : ما أجود ما سألت من ههنا يؤتى ان يقول الناس حرمت عليه امرأته من قبل لبن الفحل هذا هو لبن الفحل لا غيره ؛

فقلت له : الجارية ليست ابنة المرأة التي أرضعت لي هي ابنة غيرها ؛

فقال سلام الله عليه : لو كان عشرا متفرقات ما حل لك شيء منهن وكن في موضع بناتك .

محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن يعقوب مثله .

مورد این روایت این است که پدر رضیع می خواهد با دختر فحل صاحب شیر ازدواج کند که از مرضعه بدنیا نیامده است .

که این تعبیر (ابنة زوجها) دو فرض دارد :

فرض ۱ - دختر شوهر سابق زن که شوهر صاحب شیر نیز نمی باشد و از زوجات دیگر او باشد .

فرض ۲ - دختر فحل صاحب شیر باشد اما از زن دیگر او باشد .

در روایت عبارت حضرت سلام الله علیه قرینیت دارد بر فرض دوم و این روایت از فرض اول منصرف است زیرا که در کلام حضرت سلام الله علیه می باشد که چه خوب سؤال کردی از اینجاست که مردم می گویند زن شخص از قبل لبن فحل بر شخص حرام می شود همین لبن فحل است نه غیر آن .

رضاع همان طور که موجب نشر حرمت می شود می تواند رضاع ازدواجی که سابق بر رضاع بوده را حرام کند و آن در صورتی است که فحل صاحب شیر پدر بزرگ ماردی رضیع باشد که با اکمال رضاع رضیع با مادر خود خواهر و یا برادر رضاعی شود که در این صورت مادر رضیع یعنی زوجه پدر رضیع فرزند فحل صاحب شیر می باشد و این رضاع موجب فسخ زوجیت بین پدر و مادر رضیع می شود و ازدواج پدر رضیع با فرزندان صاحب شیر حرام و باطل است .

و از این تعبیر (وکن فی موضع بناتک) استفاده می شود که خواهر فرزند تو فرزند تو است که عموم تنزیل نسبت رضاعی به نسبت نسبی می باشد .